



قرائتی عرفانی از زیارت جامعه کبیره

بررسی انطباق مقامات امام معصوم (علیه السلام) با انسان کامل

محمد رضا فریدونی^{۱*}، سهیلا حیدری^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2025.31307.1186

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰



چکیده

مفهوم محوری «انسان کامل»، به‌ویژه آن‌گونه که در مباحث عرفانی ابن عربی تئوریزه شده، در کنار جایگاه بنیادین «امام معصوم (ع)» در الهیات شیعی، زمینه‌ای برای بحث‌های تفسیری فراهم آورده است. برخی دیدگاه‌ها در سنت شیعی، قائل به ناسازگاری این دو مفهوم بوده و تلقی عرفانی را در تعارض با مقام الهی امام (ع) می‌دانند. این پژوهش، با طرح فرضیه سازگاری عمیق میان شاخصه‌های انسان کامل و اوصاف امام (ع) که در متون اصیل شیعی قابل ردیابی است، به تحلیل تطبیقی متن محوری «زیارت جامعه کبیره» می‌پردازد تا این تعارض ادعایی را واکاوی کند. به‌همین منظور، با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تطبیقی، ابتدا مؤلفه‌های اصلی انسان کامل از منظر مکتب ابن عربی مشخص شده، سپس با تحلیل محتوای زیارت جامعه، تجلی این مؤلفه‌ها در اوصاف امامان (ع) بررسی گردیده است. یافته‌های تحقیق، انطباق و هم‌سویی عمیق و چشمگیری را در ابعاد متعدد نشان می‌دهد. شاخصه‌های کلیدی انسان کامل، شامل مظهریت اتم اسماء و صفات الهی و جامعیت وجودی (کون جامع)، برخورداری از علم لدنی و احاطه علمی، عصمت و طهارت مطلقه، نقش محوری در نظام تکوین (وساطت در فیض، ولایت تکوینی و حفظ عالم)، ارتباط وجودی ویژه با حق (معیت و سریان) و برتری مقامی مطلق، همگی به‌روشنی و با تأکید فراوان در عبارات زیارت جامعه کبیره برای ائمه اطهار (ع) یافت می‌شود. نتیجه‌گیری پژوهش، ضمن تأیید فرضیه اصلی نشان می‌دهد: زیارت جامعه کبیره به‌مثابه سندی معتبر، ضمن رد آن تعارض ادعا شده، امکان ارائه قرائتی را فراهم می‌آورد که امام معصوم (ع) را مصداق اتم انسان کامل در چارچوب تعالیم شیعی معرفی کند. این تحقیق بر ظرفیت بالای متون حدیثی و زیارتی شیعه برای فهم مباحث عرفانی و پیوند میان عرفان نظری و کلام امامیه تأکید دارد.

واژگان کلیدی: انسان کامل، امام معصوم، زیارت جامعه کبیره، عرفان نظری، ابن عربی، مظهریت.



۱- استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان (نویسنده مسئول) dr_fereydooni@basu.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد عرفان اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، soheilaheydari2021@gmail.com

۱. بیان مسئله

مفهوم «انسان کامل» به عنوان یکی از ارکان بنیادین عرفان نظری، به عالی ترین مظهر و تجلی حق در نظام هستی اطلاق می شود. به موازات آن در منظومه فکری تشیع، «امامان معصوم (ع)» نه تنها به عنوان هادیان و الگوهای مطلق انسانی، بلکه به مثابه ارکان تکوینی عالم و با عناوینی چون وجه الله، صراط مستقیم و غایت خلقت شناخته می شوند. علی رغم وجود اشتراکات ظاهری، یک تنش و چالش تفسیری و کلامی مهم میان این دو مفهوم وجود دارد؛ به گونه ای که برخی از علمای برجسته شیعه، به ویژه فقها، محدثان و مفسران، نسبت به مفهوم عرفانی «انسان کامل» دیدگاه انتقادی داشته و آن را با مبانی اعتقادی تشیع، خصوصاً جایگاه منحصر به فرد امام معصوم (ع) ناسازگار یا حتی متعارض تلقی می کنند (یشری، ۱۳۹۷: ۲۰۴). این گروه معتقدند: تطبیق صورت گرفته توسط برخی عرفا، با اصول مسلم شیعی و الزامات شرعی و عقلی، به ویژه در بحث کلیدی «ولایت عرفانی»، سازگاری ندارد. آن ها معتقدند: اگرچه پس از رواج عرفان در جهان اسلام، عرفا کوشیده اند تا اصول و مسائل خود را با اسلام تطبیق دهند؛ اما این تطبیق از جمله در مسئله ولایت و انسان کامل اشکالات شرعی و عقلی فراوانی دارد.

در مقابل، عرفا و مدافعان این نظریه بر ریشه های قرآنی، روایی و عقلی این مفهوم تأکید دارند و معتقدند که متون اصیل دینی، به خصوص ادعیه و زیارات مأثوره از اهل بیت (ع)، مؤید این دیدگاه است (رمضانی، ۱۴۰۰: ۳۱۰). این تعارض دیدگاه ها یک مسئله الهیاتی و معرفت شناختی قابل توجه در حوزه اندیشه اسلامی شیعی محسوب می شود و روشن ساختن نسبت دقیق میان این دو مفهوم، هم به فهم عمیق تر عرفان نظری کمک می کند و هم می تواند به ارائه تبیینی منسجم تر از جایگاه امام در تفکر شیعی یاری رساند.

از این رو، مسئله محوری این پژوهش آن است که تا چه میزان، اوصاف و مقامات ذکر شده برای امامان معصوم (ع) در «زیارت جامعه کبیره» - به عنوان یکی از معتبرترین و جامع ترین متون شیعی در این باب - با مؤلفه ها و ویژگی های کلیدی مفهوم «انسان کامل» در عرفان نظری انطباق و هم سویی دارد؟ بدین منظور، هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی و تحلیل تطبیقی محتوای «زیارت جامعه کبیره» با محوریت مفهوم «انسان کامل» است تا میزان سازگاری یا ناسازگاری این دو مفهوم را با استناد به این متن بنیادین شیعی مشخص نماید و به چالش تفسیری موجود پاسخ دهد.

در راستای پاسخ به این مسئله و دستیابی به هدف تحقیق، پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که مفهوم «انسان کامل» در عرفان اسلامی، نه تنها با مبانی اصیل شیعی تعارضی ذاتی ندارد، بلکه دارای



پشتوانه متقن نقلی (قرآنی و روایی) و عقلی است و تحلیل مضامین عمیق «زیارت جامعه کبیره» به وضوح نشان خواهد داد که اوصاف و مقامات تبیین شده برای امامان معصوم (ع) در این زیارت، با شاخصه‌های کلیدی انسان کامل انطباق کامل داشته و بدین ترتیب، می‌توان با تکیه بر این متن بنیادین شیعی و سایر شواهد نقلی، قرائتی سازگار از انسان کامل ارائه داد که امامان معصوم (ع) را مصادیق اتم و اکمل آن معرفی نماید.

۲. پیشینه پژوهش

انسان کامل به عنوان واسطه فیض الهی و غایت آفرینش، جایگاهی بنیادین و کانونی در نظام فکری عرفان اسلامی دارد. این مفهوم عمیق که به درک جایگاه انسان در هستی و ارتباط او با حق تعالی می‌پردازد، همواره مورد توجه و کاوش عرفا و پژوهشگران بسیاری بوده است. در همین راستا، تلاش‌های علمی متعددی برای روشن ساختن ابعاد گوناگون این مسئله صورت گرفته است. در این باب به چند مورد از آثار موجود، پرداخته می‌شود:

۱- محمدیان و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «انسان کامل از دیدگاه جامی و ابن عربی» به تبیین مشترکات این دو اندیشمند در حوزه موضوع یادشده پرداخته و می‌آورند: موضوع انسان در عرفان ابن عربی، یکی از پایه‌های اصلی عقاید او را شکل داده است. جامی نیز که در عرفان، پیرو دیدگاه‌های ابن عربی است به انسان‌شناسی و انسان کامل توجه خاص کرده و در این باره فراوان سخن گفته است. انسان کامل از نگاه جامی و ابن عربی، خلیفه الهی است. او مقصد اصلی آفرینش است و عالم هستی برای او آفریده شده است. اینان، هم‌چنین، انسان کامل را کسی می‌دانند که به فنای در حق، متصف شده و مظهر تمام اسما و صفات او گشته باشد. انسان کامل واسطه میان حق و خلق است؛ فیض وجود از طریق او به همه موجودات می‌رسد. این پژوهش سعی می‌کند ضمن تعریف کمال به دیدگاه مکاتب در مورد انسان کامل بپردازد و سپس این دیدگاه‌ها را با نظر جامی و ابن عربی و سپس نظر قرآن مقایسه کند تا بتواند دورنمایی هرچند کلی در مورد جایگاه انسان کامل در هستی عرضه نماید.

۲- شجاعی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «انسان و خلافت الهی» به تبیین حقیقت خلافت الهی انسان، چرایی جعل خلیفه از جانب خداوند، جایگاه خلافت الهی در منظومه کمالات انسان، برتری آدمی بر تمام مخلوقات عالم در پرتو خلافت الهی، آثار و ویژگی‌های خلافت الهی در نظام هستی، با توجه به آیات و روایات مربوط پرداخته و به شبهات پیرامون موضوع پاسخ داده شده است.



۳- مازن (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «انسان‌شناسی از دیدگاه ابن عربی» در پی آن است که بفهمد از نظر ابن عربی، سیمای معنوی انسان کامل چگونه سیمایی و مشخصات انسان کامل چگونه مشخصاتی است، انسان در هستی از چه جایگاهی برخوردار بوده و تجلی پروردگار بر او چگونه بوده و چگونه انسان کامل می‌تواند دارای تمامی صفات الهی باشد. بر اثر این تحقیق و از رهگذر بررسی اندیشه ابن عربی، مشخص شده است که انسان کامل، مظهر اسم جامع «الله» بوده و جامع میان حق و خلق است. وی غایت آفرینش عالم و تنها کسی است که به‌صورت خداوند آفریده شده و می‌تواند خداوند را بشناسد.

۴- فتحی مقدم و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «انسان کامل از دیدگاه قنوی» بر این باورند که قنوی به‌سان دیگر عرفا به این نتیجه دست‌یافته که انسان تنها مظهر از مظاهر حق است که آن‌گونه که حق می‌خواهد او را مظهریت می‌کند. در اندیشه او انسان تلفیقی از نفس و بدن است، نفس انسانی جوهری بسیط و مجرد است که اصالت با اوست. بررسی عرفان فلسفی قنوی و تبیین ماهیت و ویژگی‌های انسان کامل از دیدگاه قنوی کلیت پژوهش مذکور را تشکیل می‌دهد. آنچه موضوع این پژوهش را از کارهای انجام‌شده متمایز می‌سازد، تبیین مسئله انسان کامل با محوریت زیارت جامعه است به‌خصوص با بهره‌بردن از ادعیه و سایر زیارات مأثوره از حضرات اهل بیت که در تحقیقات پیشین تمرکزی دیده نمی‌شود.

علی‌رغم پژوهش‌های ارزشمند انجام‌شده که عمدتاً بر دیدگاه‌های عرفایی چون ابن عربی، جامی و قنوی یا تبیین کلی مفهوم خلافت الهی متمرکز بوده‌اند، جای خالی تحقیقی که به‌طور مشخص مسئله انسان کامل را با محوریت تحلیلی زیارت جامعه کبیره و با بهره‌گیری از سایر ادعیه و زیارات مأثوره از اهل بیت (ع) بکاود، احساس می‌شود. بنابراین، نوآوری اصلی این پژوهش در همین رویکرد و تمرکز بر این منابع غنی حدیثی و دعایی به‌عنوان مبنای اصلی شناخت ابعاد مظهریت انسان کامل است که در تحقیقات پیشین کمتر به آن پرداخته شده است.

۳. مبانی نظری

۱-۳. انسان کامل

در تبیین مفهوم «انسان کامل»، تعاریف متعددی در متون عرفانی ارائه شده است. جرجانی، انسان کامل را وجودی جامع عوالم الهی و وجودی (کلی و جزئی) و همچنین جامع کتب الهی و وجودی (کتاب عقلی یا ام‌الکتاب از حیث روح و عقل، کتاب لوح محفوظ از حیث قلب و کتاب محو و اثبات از حیث نفس) معرفی می‌کند که درک حقیقت او تنها برای پاکان از حجاب‌ها میسر است. او نسبتی مشابه



نسبت عقل اول به عالم کبیر یا روح انسانی به بدن دارد و نفس کلی او به مثابه قلب عالم کبیر است، از این رو عالم را «انسان کبیر» نیز نامیده‌اند (جرجانی، ۱۳۹۴: ۲۴).

اگرچه ریشه‌های این مفهوم به پیش از اسلام بازمی‌گردد، اما این عربی به‌عنوان نخستین کسی شناخته می‌شود که اصطلاح «انسان کامل» را در عرفان اسلامی وضع و تبیین نمود، هرچند پیش از او تعبیری چون «انا الحق» حلاج یا «الکامل التمام» بایزید بسطامی به مضامین مشابهی اشاره داشته‌اند (جهانگیری، ۱۳۶۷: ۳۲۵-۳۳۲). از منظر ابن عربی، انسان کامل صورت کامل حق، آینه جامع صفات الهی، واسطه میان حق و خلق و علت غایی خلقت است. او به‌مثابه روح عالم عمل می‌کند که عالم، جسد اوست و بقا و فیض الهی از طریق او به عالم می‌رسد. تصرف و تدبیر او در عالم به‌واسطه اسمای الهی صورت می‌گیرد و فقدان او موجب تباهی و زوال معنوی عالم می‌شود. ابن عربی گاه از او با عناوینی چون «کلمه» یا «حقیقت محمدیه» یاد می‌کند؛ این حقیقت، نور ازلی و ابدی پیامبر (ص) و موجود نخستین (أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي) و مبدأ ظهور عالم است که پیش از خلقت آدم وجود داشته (كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمَ بَيْنَ مَاءٍ وَ طِينٍ) و در تمام انبیا ظهور یافته، اما کامل‌ترین تجلی آن در خاتم‌الانبیا (ص) بوده است. پس از ایشان، این حقیقت در قالب «ولایت» در اولیا استمرار می‌یابد تا زمان ظهور خاتم‌الاولیا که با او دور ولایت پایان یافته و قیامت برپا می‌شود (همان).

با توجه به اینکه قرآن کریم غرض از خلقت انسان را عبودیت (ذاریات/۵۶) معرفی می‌کند و عبودیت تامه نیازمند معرفت تام است و معرفت تام در کسی محقق می‌شود که جامع همه حقایق باشد (كُلُّ شَيْءٍ أَخْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ؛ یاسین/۱۲)، انسان کامل مصداق این جامعیت تلقی می‌گردد. عرفا او را «کون جامع» می‌نامند؛ زیرا تمام مراتب حضرات خمس (تعین اول، تعین ثانی، عوالم عقل، مثال و ماده) را در خود جمع دارد. بدین ترتیب، انسان کامل آینه‌ای تمام‌نماست که خداوند کمالات خود را در او مشاهده می‌کند (کمال استجلاء) و از آن حیث «کامل» نامیده می‌شود که مظهر اتم اسماء الله، به ویژه اسم جامع «الله»، به شمار می‌رود.

به‌طور خلاصه، در اصطلاح عرفانی، انسان کامل مظهر و آینه تام اسماء و صفات الهی، واسطه فیض وجودی، نایب خداوند در زمین و علت غایی و حافظ نظام هستی است که معرفت و ولایت از طریق او در عالم جریان می‌یابد.



۲-۳. زیارت جامعه کبیره

«زیارت جامعه کبیره» یکی از برجسته‌ترین و جامع‌ترین متون زیارتی در فرهنگ شیعی است که برخلاف بسیاری از زیارات دیگر، به امامی خاص اختصاص ندارد، بلکه به تبیین مقامات و اوصاف مشترک و بنیادین مجموع اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می‌پردازد. این زیارت‌نامه که انشای امام هادی (ع) است، به دلیل غنای محتوایی و بلاغت کم‌نظیر، از دیرباز مورد توجه و وثوق علمای شیعه قرار گرفته است. وجه تسمیه آن به «جامعه»، به جامعیت آن در بیان فضائل و مناقب اهل بیت (ع) اشاره دارد (نقوی، ۱۳۷۸: ۱۸) و از حیث حجم، تنوع مضامین و بازتاباندن اصول عقاید شیعی، متنی بی‌بدیل محسوب می‌شود (خانی، ۱۳۸۸: ۱۷/۳۵۸).

محتوای این زیارت که تقسیم‌بندی‌های مختلفی از آن ارائه شده (نک: قبانچی، ۱۴۲۷: ۹/۱؛ خانی، ۱۳۸۸: ۱۷/۳۵۸)، شامل درود و سلام، بیان اصول اعتقادی شیعه (توحید، نبوت، امامت)، تبیین جایگاه رفیع اهل بیت (ع) در نظام تکوین و تشریع (مخازن علم الهی، مهبط وحی، میراث‌بران انبیا)، تأکید بر عصمت و ولایت ایشان، شرح رابطه زائر با امام (تولی و تبری، بیعت، انتظار رجعت و شفاعت) و دعای ختامی است. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی این زیارت با وجود بیان اوج کمالات و فضائل، عاری از هرگونه غلو است و معارف عمیق توحیدی ولایی را در خود جای داده، تا آنجا که گفته می‌شود اسمای الهی مذکور در دعای جوشن کبیر در وجود امام معصوم (ع) (چنانکه در زیارت جامعه تبیین شده) تجلی یافته است؛ لذا می‌توان آن را «دایرةالمعارف امام‌شناسی» و منشور امامت نامید (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۸۰). صدور این زیارت در پاسخ به درخواست موسی بن عبدالله نخعی از امام هادی (ع) برای تعلیمی بلیغ و کامل جهت زیارت هر یک از ائمه (صدوق، ۱۴۱۳ق) بوده است که خود گویای دو نکته است: اولاً، جامعیت و کمال محتوایی و بلاغی آن که بسیاری صدور آن از غیرمعصوم را محال دانسته‌اند؛ ثانیاً، تبیین صفات عام و مشترک اهل بیت (ع) به مثابه عالی‌ترین مصادیق کمال انسانی که آن را به یک دوره فشرده انسان‌شناسی متعالی بدل می‌سازد و علت نام‌گذاری آن به «جامعه کبیره» (در تمایز از زیارات جامعه کوتاه‌تر) نیز همین است.

از منظر سندی، علاوه بر آنکه محتوای رفیع و بلاغت بی‌نظیر آن را دلیل صدورش از مقام عصمت دانسته‌اند، در کمال اتقان قرار دارد. این زیارت در معتبرترین منابع حدیثی شیعه از جمله کتب اربعه مانند «من لایحضره الفقیه» و «عیون اخبار الرضا» توسط شیخ صدوق (صدوق، ۱۴۲۶: ۲/۲۷۲)، «تهذیب الاحکام» (باب ۴۶، حدیث ۱) توسط شیخ طوسی نقل شده و بزرگانی چون فیض کاشانی (الوافی، کتاب



الحج، باب ۱۹۸، حدیث ۲)، علامه مجلسی (بحارالانوار، ۱۴۰۴ق: ۱۲۷/۱۰۲) و شیخ عباس قمی (مفاتیح الجنان) نیز آن را ثبت کرده‌اند که نشان‌دهنده تلقی به قبول آن نزد محدثین و فقهای امامیه است (کربلایی، ۱۴۲۸: ۱/ ۱۹۸ به نقل از بلاغی).

اهتمام علما به شرح و قرائت آن در برنامه‌های سلوکی (کربلایی، ۱۴۲۸: ۱/ ۱۹۸) و نقل حکایاتی مبنی بر تأیید مقام والای آن از سوی معصومین (ع) یا اهل کشف (مانند حکایت سیدرشتی در مفاتیح الجنان یا مجلسی اول در لوامع صاحبقرانی، ۱۴۱۶ق: ۶۶۴/۸)، همگی گواهی بر جایگاه محوری ابن زیارت در شناخت ابعاد وجودی امام معصوم (ع) و فهم عمیق معارف ولایی در تفکر شیعی است. غفلت از این معارف، باب وسیعی از حقایق توحیدی و ولایی را مغفول می‌گذارد.

۳-۳. چارچوب نظری

در این بخش، بنیان‌های نظری پژوهش حاضر که به نسبت‌سنجی میان مفهوم «انسان کامل» در عرفان نظری و مقام «امام معصوم (ع)» در اندیشه شیعی با محوریت «زیارت جامعه کبیره» می‌پردازد، تبیین می‌گردد. با توجه به این که مفهوم محوری «انسان کامل» در عرفان نظری، به‌طور بنیادین توسط محی‌الدین ابن عربی تئوریزه و نظام‌مند شده و توسط شارحان برجسته مکتب او (همچون قونوی، جندی، کاشانی، قیصری و جیلی) بسط یافته است، این پژوهش، شاخصه‌های انسان کامل را عمدتاً از منظر جهان‌بینی ابن عربی و مکتب او استخراج کرده است و سپس به بررسی حضور و تطابق این شاخصه‌ها با اوصاف و مقامات «امام معصوم (ع)» در متن «زیارت جامعه کبیره» خواهد پرداخت. این مبانی، شالوده‌ای مفهومی و ساختاری را فراهم می‌آورد که تحلیل تطبیقی و استدلال مقاله بر آن استوار خواهد بود. بر اساس تبیین ابن‌عربی و شارحان وی، «انسان کامل» دارای ویژگی‌های وجودشناختی و معرفت‌شناختی منحصربه‌فردی است که او را در کانون نظام هستی قرار می‌دهد. کلیدی‌ترین این شاخصه‌ها که مبنای تحلیل تطبیقی در این مقاله قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

مظهریت اتم اسماء و صفات الهی: انسان کامل به‌مثابه آینه‌ای تمام‌نما (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۴۹) و مظهر اسم جامع «الله» (موسوی خمینی، ۱۳۸۸ ب: ۳۳۸)، کامل‌ترین جلوه گاه حق در عالم است.

جامعیت وجودی (کون جامع): او دربردارنده تمامی حقایق و مراتب عالم، از غیب تا شهادت در وجود خویش است (ابن عربی، ۱۴۰۰ ق: ۱۹۹؛ فناری، ۱۳۸۴: ۲۵۹).

واسطه‌گری در فیض و حفظ عالم: به‌عنوان برزخ بین حق و خلق (جهانگیری، ۱۳۶۷: ۳۲۵-۳۳۲)، او مجرای فیض الهی و علت غایی و حافظ بقای عالم محسوب می‌شود (ابن فناری، ۱۳۸۴: ۶۸۰).



مقام ولایت: انسان کامل صاحب ولایت کلیه، به عنوان باطن نبوت و منبع هدایت و تصرف معنوی و تکوینی در عالم است (جهانگیری، ۱۳۶۷: ۳۳۲-۳۲۵؛ کبیر، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

علم لدنی و احاطه علمی: به واسطه اتصال با مبدأ، از علم فراگیر به حقایق هستی برخوردار است. حقیقت محمدیه: انسان کامل، تجلی «حقیقت محمدیه» است که به عنوان اولین تعین و صادر نخست، اصل و مبدأ عالم محسوب می شود (جهانگیری، ۱۳۶۷: ۳۳۲-۳۲۵).

در سوی دیگر، مقام «امام معصوم (ع)» بر اساس مبانی کلامی و حدیثی شیعه و مشخصاً با اتکا به مضامین والای «زیارت جامعه کبیره»، دارای شئون و اوصافی است که قابلیت مقایسه با شاخصه های فوق را دارد؛ از جمله: جایگاه تکوینی رفیع، حجت بالغه الهی، عصمت مطلقه، واسطه فیض و رحمت بودن، مرجعیت هدایتی و برخورداری از ولایت تکوینی و تشریعی.

بنیان نظری این پژوهش بر اثبات این فرضیه استوار است که میان شاخصه های کلیدی «انسان کامل» آن گونه که در مکتب ابن عربی تبیین شده و مقامات و اوصاف «امام معصوم (ع)» آن گونه که در «زیارت جامعه کبیره» توصیف گردیده، نه تنها تعارضی بنیادین وجود ندارد، بلکه انطباق و هم سویی قابل توجهی برقرار است. این پژوهش در پی آن است تا با تمرکز بر متن زیارت جامعه، نشان دهد که چگونه می توان امامان معصوم (ع) را مصادیق اتم و اکمل آن شاخصه هایی دانست که ابن عربی برای انسان کامل بر می شمارد. رویکرد تفسیری به متن «زیارت جامعه کبیره» در این مقاله، ضمن پای بندی به اصول اعتقادی شیعه، در پی کشف لایه های معنایی عمیق تر این زیارت است تا بتواند میزان و کیفیت انطباق اوصاف امامان با شاخصه های شش گانه فوق (مظهریت، جامعیت، وساطت، ولایت، علم، و تجلی حقیقت محمدیه) را به دقت بررسی کند.

بر این اساس، «زیارت جامعه کبیره»، به عنوان متنی مأثور، معتبر و جامع در امام شناسی شیعی، محک و معیار اصلی برای سنجش این فرضیه در نظر گرفته می شود. تحلیل متن زیارت بر اساس چارچوب مفهومی مستخرج از نظریه ابن عربی صورت خواهد گرفت تا مشخص شود چگونه می توان قرائتی از امامت شیعی ارائه داد که با دقیق ترین تبیین های عرفانی از انسان کامل سازگار باشد.

بنابراین هدف این مبانی نظری، ارائه یک چارچوب مفهومی دقیق و مستند است که ابتدا شاخصه های اصلی انسان کامل را از منظر ابن عربی و مکتب او مشخص سازد و سپس با استناد محوری به «زیارت جامعه کبیره» و به کارگیری رویکرد تفسیری مناسب، به بررسی حضور و تجلی همین شاخصه ها در وجود



و مقام امامان معصوم (ع) پردازد و بدین ترتیب، به چالش تعارض ادعایی پاسخ داده و قرائتی منسجم از نسبت این دو مفهوم بنیادین ارائه دهد.

۴. روش‌شناسی

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی تطبیقی انجام می‌پذیرد. در گام نخست، مؤلفه‌ها و مباحث محوری مرتبط با مفهوم «انسان کامل» در عرفان نظری، با استناد به متون اصلی این حوزه، شناسایی و توصیف می‌شوند. سپس، مضامین و عبارات متناظر با این مؤلفه‌ها در متن «زیارت جامعه کبیره»، به‌عنوان منبع اصلی پژوهش، استخراج و مشخص می‌گردد. در مرحله بعد، به تحلیل محتوای کیفی این مضامین در زیارت جامعه پرداخته شده و نسبت آن‌ها با مباحث انسان کامل، به‌ویژه در موضوعاتی چون مظهریت تامه، ولایت تکوینی و تشریعی، علم لدنی و جایگاه وجودی، مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد تا میزان هم‌سویی و انطباق آن‌ها روشن شود. هدف نهایی، ارائه یافته‌ها به‌صورت یک مجموعه منسجم و معنادار است که بتواند به فهم عمیق‌تر نسبت میان این دو مفهوم بنیادین کمک کند و برای مطالعات بنیادی در حوزه‌های عرفان، کلام و امام‌شناسی کارآمد باشد.

۵. یافته‌های تحقیق

تحلیل تطبیقی و عمیق مفهوم «انسان کامل» در سنت عرفان نظری، به‌ویژه آن‌گونه که در مکتب ابن عربی تبیین یافته، با اوصاف و مقامات رفیع «امامان معصوم (ع)» آن‌گونه که در متن گران‌سنگ «زیارت جامعه کبیره» ترسیم شده است، هم‌سویی‌ها و انطباق‌های شگرفی را در ابعاد بنیادین وجودشناختی و معرفت‌شناختی آشکار می‌سازد. این پژوهش با واکاوی مضامین کلیدی در هر دو حوزه و با محوریت زیارت جامعه، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان امامان معصوم (ع) را مصادیق اتم و اکمل شاخصه‌های انسان کامل عرفانی دانست. یافته‌های این تحلیل در قالب شش محور اصلی به تفصیل ارائه می‌گردد.

۱. مظهریت تامه الهی و جامعیت وجودی

یکی از بنیادی‌ترین اصول در تبیین جایگاه انسان کامل در عرفان نظری، مقام مظهریت اتم او برای اسماء و صفات الهی است. انسان کامل، صرفاً موجودی نیکوکار نیست؛ بلکه آینه‌ای تمام‌نما و صیقلی است که حق تعالی کمالات نامتناهی خود را در آن مشاهده می‌کند (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۴۹). او محل «استجلاء» حق است؛ یعنی خداوند در این آینه، خود را به‌کامل‌ترین وجه می‌بیند (قونوی، ۱۳۷۵: ۳۹). بدون وجود چنین مظهری، اسماء و صفات الهی در «کنز مخفی» باقی می‌ماندند و هدف از خلقت که



معرفت حق بود (فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرِفَ) محقق نمی‌شد. این مظهریت، به‌ویژه در تجلی اسم اعظم و جامع «الله» به اوج خود می‌رسد (موسوی خمینی، ۱۳۸۸ ب: ۳۳۸؛ همان، ۱۳۸۸: ۳۵، ۷۷).

زیارت جامعه کبیره، امامان معصوم (ع) را دقیقاً در چنین جایگاهی معرفی می‌کند. آنان «مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ» (جایگاه‌های شناسایی خدا) و «مَسَاكِينِ بَرَكَهَةِ اللَّهِ» (مسکین‌های برکت خدا) هستند. این تعبیر صرفاً به معنای راهنمایی ظاهری نیست، بلکه به جایگاه وجودی آنان به‌عنوان محل تجلی معرفت و برکت الهی اشاره دارد. آنان «أَزْكَاناً لِتَوْحِيدِهِ» (پایه‌های توحید الهی) هستند که نشان می‌دهد توحید حقیقی در عالم، به وجود آنان استوار است. اوج این تبیین در فقره شگفت‌انگیز «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدْءَ بِكُمْ، وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ، وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجُّهَ بِكُمْ» متجلی است. این فقره، امامان را نه فقط راهنما، بلکه نقطه آغاز ضروری برای خداجویی، معیار پذیرش توحید حقیقی و جهت صحیح برای قصد کردن خداوند معرفی می‌کند؛ مقامی که دقیقاً با نقش آینه‌واری و مظهریت تامه انسان کامل عرفانی تطابق دارد. توقیع شریف منسوب به حضرت ولی عصر (عج) نیز این حقیقت را به اوج می‌رساند که امامان، معادن کلمات الهی و آیاتی هستند که معرفت حق جز از طریق آنان ممکن نیست و میان حق و ایشان فاصله‌ای نیست مگر در نسبت خالق و مخلوق («لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ») (مفاتیح الجنان، دعای ماه رجب)؛ این همان مقام «الحق الخلق» در تعبیر ابن عربی است (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۵۶؛ قیصری، ۱۳۸۶: ۴۰۵).

لازمه این مظهریت تام، جامعیت وجودی است. انسان کامل در عرفان، «کون جامع» نامیده می‌شود؛ موجودی که به‌تنهایی حاوی تمامی حقایق عوالم و مراتب هستی (حضرات خمس) است (ابن عربی، ۱۴۰۰ ق: ۱۹۹؛ فناری، ۱۳۸۴: ۶۵۹؛ جامی: ۲۵۳۶/۳۰). او به‌تعبیر ابن عربی با دو دست جمال و جلال الهی آفریده شده و جامع صورت حق و صورت خلق است (ابن عربی، ۱۴۰۰ ق: ۵۵؛ جندی، ۱۳۶۱: ۱۸). این جامعیت او را برتر از ملائکه (ابن عربی، ۱۴۰۰ ق: ۵۰) و قادر به درک غیب و شهادت می‌سازد (همان: ۵۴). در زیارت جامعه، اگرچه اصطلاح «کون جامع» به کار نرفته، اما محتوای آن به‌روشنی بر این جامعیت دلالت دارد. گستره علم امامان («خُزَّانَ الْعِلْمِ»)، ولایت تکوینی آنان («ذَلْ كُلِّ شَيْءٍ لَكُمْ») و نقش محوری‌شان در نظام آفرینش («بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ») همگی نشان‌دهنده وجودی جامع است که بر تمام مراتب هستی احاطه دارد. قرآن کریم نیز با معرفی انسان کامل به‌عنوان «خليفة الله» (بقره/۳۰) و «امام» (بقره/۱۲۴) و توصیف عبادالرحمان (فرقان/۶۳ به بعد) به این جامعیت کمالات اشاره دارد.



مطابق با آنچه آورده شد، تعبیری از قبیل «مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ» به عنوان جایگاه‌های تجلی و نفس معرفت الهی در ذات اهل بیت (ع)، دلالتی واضح و مطابق بر مظهریت تام آنان از اسماء و صفات الهی دارند؛ چرا که بر اساس روایات معتبر، معرفت حق جز از طریق ایشان میسر نیست. همچنین، تعبیر مربوط به «خزائن علم» دلالت التزامی قوی بر عمومیت و جامعیت علم امامان دارد. گستره علم امامان در زیارت جامعه و متون عرفانی نظیر مفهوم «کون جامع»، معرف وجودی جامع آنان را می‌رساند که بر تمامی مراتب کمال و معارف ربانی احاطه دارد. بنابراین، این فرازاها هم در سطح مدلول مطابقی و هم مدلول التزامی، جایگاه والای انسان کامل و نقش محوری ایشان را در نظام تکوین و معرفت به‌روشنی تبیین می‌کنند؛ بدون آن که نیاز به تحمیل تفسیر عرفانی خارج از دلالت‌های صریح متون و حیانی باشد.

۲. علم لدنی و احاطه علمی

مقام مظهریت و خلافت الهی، مستلزم برخورداری از علم جامع و لدنی است. انسان کامل عرفانی به واسطه اتصال بی‌واسطه با مبدأ هستی و فنای در حق، از علم حضوری و شهودی به حقایق کائنات برخوردار است. این علم، اکتسابی صرف نیست، بلکه از منبع فیض الهی نشأت می‌گیرد.

زیارت جامعه کبیره با تأکید فراوان، این جایگاه علمی رفیع را برای امامان معصوم (ع) تبیین می‌کند. تعبیری چون «خُزَّانَ الْعِلْمِ» (گنجینه‌داران علم)، «مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ» (کان‌های حکمت الهی)، «غِیَّةِ عِلْمِهِ» (صندوقچه یا ظرف علم الهی)، «خَزَنَةُ لِعِلْمِهِ» و «مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ» (محل به‌امانت سپردن حکمت الهی)، صرفاً به معنای آگاهی امامان نیست، بلکه آنان را منبع، معدن و مخزن اصلی علم و حکمت الهی معرفی می‌کند. این تعبیر با مفهوم «اتحاد علم و عالم و معلوم» در مراتب عالی وجود سازگار است و نشان می‌دهد که علم در ذات آنان تعبیه شده است. آنان «ذَوِی الثُّهَى» (صاحبان خرد کامل) هستند. گستره این علم نیز نامحدود است: «وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَّلْتُ بِهِ رُسُلَهُ، وَهَبَطْتُ بِهِ مَلَائِكَتُهُ»؛ یعنی تمامی علوم که بر پیامبران پیشین نازل شده و فرشتگان حامل آن بوده‌اند، نزد ایشان حاضر است. کلام و رأی ایشان نیز عین علم و حکمت معرفی شده است: «قَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحُكْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ».

مطابق این عبارات شریف، نمی‌توان ذاتی را متصور شد که عین فقر وجودی به حق تعالی است و به افاضه حق متعال خازن علم و ظرف حق تعالی، یا محل به‌امانت سپردن حکمت الهی قرار می‌گیرد؛ اما در عین حال مستجمع تمامی کمالات به‌نحو افاضه و کاملاً به دور از هرگونه استقلال ذاتی نباشد.



این مقامات علمی که در زیارت جامعه آمده، با روایات متواتر شیعی نیز کاملاً هم خوان است. روایات فراوانی تصریح می‌کنند که امام هرگاه اراده کند چیزی را بداند، به اذن الهی می‌داند (کلینی، ۱۳۹۳: ۲۸۵/۱) و علم اولین و آخرین و علم به ماکان و مایکون و ماهو کائن نزد ایشان است (کلینی، اصول کافی: ۲۶۱/۱). امیرالمؤمنین (ع) نیز پیامبر اکرم (ص) را «خازن علم مخزون حق» معرفی می‌کنند (نهج البلاغه، خطبه ۷۲). همچنین، تطابق وجودی قرآن و اهل بیت (ع) که در حدیث ثقلین «لن یفترقا» (کلینی، ۱۳۸۸: ۲۰۹/۱) و کلام امیرالمؤمنین (ع) «انا القرآن الناطق» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸) و بیانات عرفا (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۱۷-۲۱۶؛ خمینی، ۱۳۹۵: ۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۸۹/۸۰) آمده است، بر این احاطه علمی تأکید مضاعف دارد؛ چرا که قرآن «تبیان کل شیء» است و امام، حقیقت متمثل و ناطق آن است.

۳. عصمت و طهارت مطلقه

آینه‌ای که قرار است حق را بی‌غبار بنمایاند و موجودی که خلیفه خداوند بر روی زمین است، باید از هرگونه آلودگی، نقص و انحرافی پیراسته باشد. عصمت و طهارت مطلقه، لازمه ذاتی مقام انسان کامل و امام معصوم است. این طهارت صرفاً به معنای پرهیز از گناه نیست، بلکه شامل پیراستگی از هرگونه خطا، سهو، نسیان و حتی کوچک‌ترین لغزش‌های غیرارادی و آلودگی‌های باطنی است. محقق برجسته، سیدجلال‌الدین آشتیانی در این زمینه تصریح می‌کند که شیخ اکبر، اهل بیت را به معصوم و غیرمعصوم تقسیم کرده و اصحاب عصمت را به‌عنوان اقطاب وجود معرفی نموده است: «و هم الأقطاب فی الوجود» (آشتیانی، ۱۳۸۰: ۸۹۶). ابن عربی نیز معصوم را کسی می‌داند که هیچ‌گونه خطا و اشتباهی از او سر نزنند (ابن عربی، بی‌تا: ۳۲۲/۳-۳۳۵). همچنین عارف شیعی، سیدحیدر آملی، نیاز مردم به وجود امام واجب‌العصمه را از منظر وجوب عقلی اثبات و امامت را در دیدگاه اهل طریقت، خلیفه‌ای می‌داند که هم از جانب خداوند و هم از سوی قطب وارد می‌شود. بر این اساس، ولایت اولیای الهی، تصرف در مخلوقات پس از فنا و بقای در حق است و درواقع، ولایت همان باطن نبوت است؛ نبوتی که ظاهر آن اعلام اسمای الهی و باطن آن به‌جای آوردن احکام و اوامر الهی در نفوس است. بنابراین، از نگاه سیدحیدر آملی، چنین کسی نمی‌تواند معصوم نباشد (آملی، ۱۳۹۴: ۲۹۱-۳۰۳). این ضرورت و اهمیت مقام عصمت، به‌صراحت در زیارت جامعه کبیره با عباراتی قاطع و بی‌نظیر مورد تأکید قرار گرفته است: «عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ». «زلل» به لغزش غیرارادی یا اطلاق می‌شود (اصفهانی، بی‌تا: ماده زلل) و کاربرد آن در اینجا، اوج محافظت الهی از امام را نشان می‌دهد. آنان از فتنه‌ها و آزمون‌های گمراه‌کننده در



امان‌اند: «وَأَمَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ». خداوند آنان را از هرگونه چرک و آلودگی باطنی پاک ساخته است: «وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ». و در نهایت با اشاره مستقیم به آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳) می‌فرماید: «وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً». این طهارت، یک طهارت مطلق و همه‌جانبه است که تمام شئون وجودی امام را در بر می‌گیرد.

این طهارت ذاتی، ریشه در خلقت نوری ایشان دارد. زیارت جامعه تصریح می‌کند که حقیقت وجودی ائمه (روح، نور و طینت) یکی است و این حقیقت، پاک و پاکیزه است: «أَنَّ أَزْوَاحَكُمْ وَتُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ». آنان انواری بوده‌اند که گرداگرد عرش الهی قرار داشته‌اند: «خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً، فَجَعَلَ لَكُمْ بِعَرْشِهِ مُخَدِّقِينَ». این وجود نوری و طهارت ذاتی، آنان را نه تنها «طاهر» بلکه «مطهر» نیز قرار داده است. اتصال، محبت، ولایت و درودفرستادن بر آنان، موجب پاکی و تزکیه نفوس و کفاره گناهان شیعیان و محبان می‌شود: «وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّصْنَا بِهِ مِنْ وَلَائَتِكُمْ طَبِيباً لِيُخْلِقَنَا وَ طَهَارَةً لِنُفُسِنَا وَ تَزْكِيَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا». این نقش مطهر، چنانکه آیت‌الله جوادی آملی اشاره دارند، ناشی از تقرب به مظاهر تامه اسماء الهی و اتصال به نور محض است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۲۴/۹). این جایگاه محوری در طهارت تا آنجا پیش می‌رود که در روایات، محبت و بغض نسبت به ایشان، ملاک و معیار طهارت مولد و حلال‌زادگی افراد معرفی شده است (صدوق، ۱۳۸۵: ۱۴۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵۲/۲۷).

۴. نقش تکوینی (وساطت در فیض، ولایت و حفظ عالم)

یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین ابعاد وجودی انسان کامل/امام معصوم، نقش محوری او در نظام تکوین است. در عرفان نظری، انسان کامل صرفاً غایت اخلاقی خلقت نیست؛ بلکه علت غایی وجودشناختی و واسطه ضروری فیض حق به عالم کثرت است (قیصری، ۱۳۶۳: ۳۵۰). او به مثابه قلب عالم یا روح جهان است که حیات و قوام عالم به او وابسته است (ابن عربی، ۱۳۸۴: ۶۷/۲). بدون وجود او، فیض الهی منقطع و نظام هستی از هم فرو می‌پاشد؛ لذا او حافظ بقای دنیاست (ابن فناری، ۱۳۸۴: ۶۸۰؛ قیصری، ۱۳۸۲: ۱۱۵۴).

این نقش تکوینی بنیادین، در زیارت جامعه کبیره با صراحت و تفصیل خیره‌کننده‌ای برای امامان معصوم (ع) بیان شده است. آنان واسطه آغاز و انجام خلقت‌اند: «بِكُمْ فَتَنَحَّ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ». نزول رحمت‌ها و برکات الهی به واسطه ایشان است: «بِكُمْ يُنَزَّلُ الْعَيْتُ». حفظ و انتظام عالم تکوین به وجود آنان وابسته است: «بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ». آنان پناهگاه و محل رفع شدائد و



گشایش امور هستند: «بِكُمْ يُتَّقِسُ اللَّهُ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ». این مضامین دقیقاً با روایات شیعی که بر ضرورت وجود حجت الهی برای بقای زمین تأکید دارند («لولا الحجة لساخت الأرض بأهلها»؛ کلینی، ۱۳۹۳ش: ۱/۳۳۴) و امام را به عنوان امان اهل زمین معرفی می‌کنند (امینی، بی‌تا: ۱۵۵-۲۱۷)، همخوانی کامل دارد. به‌ویژه، توجه به معنای «باء» در عبارت «بکم فتح الله و بکم یختم» که در شارحان زیارت جامعه کبیره به «باء سببیت» یا «باء وسیله» تفسیر شده است، کاملاً با روایت «لولا الحجة» منطبق است (کربلایی، ۱۴۲۸: ۵/۲۲۱). بنابراین، تأکید بر این نکته اهمیت دارد که «باء» در این عبارات، دلالتی دقیق و وسیله‌ای بر واسطه‌گری امامان معصوم در جریان تکوینی الهی دارد و توجیه کامل و دقیق این دلالت در تطبیق مفاد زیارت با روایات شیعی ضروری است.

بنابراین نقش واسطه‌گری و حفظ، با ولایت تکوینی امام پیوند خورده است. ولایت تکوینی به معنای قدرت تصرف در کائنات به اذن الهی است که لازمه مقام خلافت و مظهریت تامه می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۶۱۳). زیارت جامعه، امامان را «السَّادَةُ الْوَلَاةُ» (سروران صاحب ولایت) می‌نامد. آنان برپادارندگان امر الهی («الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ») و عاملان به اراده تکوینی حق هستند («الْعَامِلُونَ بِإِرادَتِهِ»). امر و فرمان تکوینی الهی به آنان سپرده شده است: «وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ». این تفویض امر، به مقامی اشاره دارد که در عرفان از آن به مقام «کن» تعبیر می‌شود. مقامی که در آن انسانی بالفعل، متصرف در عالم امکان می‌شود. شاهد این مقام، روایت شریف قدسی است که می‌فرماید: «عبدی أطعني تكن مثلي، تقول للشيء: كن، فيكون» (مظفر، ۱۴۲۲ق: ۱۸۱). همچنین زیارت مطلقه اول امام حسین (ع) که شیخ کلینی در کافی از امام صادق روایت می‌کند، این جایگاه را به حضرات معصومین نسبت می‌دهد: «إِزَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ يُمُوتِكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴/۵۷۷). نهایت و تجلی این ولایت در عبارت «ذَلْ كُلِّ شَيْءٍ لَكُمْ» بیان شده است که دلالتی روشن بر تسلیم و تسلط تکوینی امامان محسوب می‌شود. این ولایت تکوینی همچنین شأنیت شفاعت کبری در قیامت را نیز برای امامان به ارمغان آورده است؛ به نحوی که آنان «شُهَدَاءُ دَارِ الْقَنَاءِ، وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ» بوده و بازگشت و حساب‌رسی نهایی مخلوقات به دست ایشان صورت می‌گیرد: «وَ إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَ حِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ».

۵. ارتباط وجودی با حق (معیت و سریان وجودی)

کیفیت ارتباط انسان کامل/امام معصوم با مبدأ هستی، ارتباطی منحصربه‌فرد و فراتر از نسبت سایر موجودات با خداوند است. عرفا از مفاهیمی چون «معیت خاصه» و «سریان» برای تبیین این ارتباط عمیق



بهره می‌برند. معیت قیومیه حق با همه اشیاء «و هو معکم اینما کنتم» (حدید/۴) امری عام است، اما اولیاء الهی از معیتی خاص برخوردارند که نشانه قرب و فنای ایشان در حق است (ابن عربی، ۱۳۹۲ش: ۱۰۰۶)، مانند معیت خداوند با موسی و هارون (طه/۴۶) یا با پیامبر (ص) در غار.

زیارت جامعه کبیره با عبارت ژرف «و الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِیْكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَیْكُمْ» ارتباط وجودی و گسترده‌ای میان امامان معصوم (ع) و حقیقت الهی را در چهار بعد مشخص و تبیین می‌کند. «الحق معکم» دلالت بر معیت خاص و مستمر حق تعالی با امامان دارد که استمرار حضور و همراهی خداوند را در ساحت وجودی ایشان نشان می‌دهد. «الحق فیکم» اشاره به جریان و حلول کامل حق در ذات امامان است که در عرفان، به معنای تجلّی تام و فنای عبد در رب تعبیر می‌شود و مطلقاً به معنای حلول باطل نیست. «الحق منکم» امامان را منشأ و مبدا ظهور حق در عالم معرفی می‌کند و «الحق إِلَیْکُم» مرجعیت نهایی و بازگشت همه امور را به ایشان تصریح می‌نماید. این چهار نسبت، ابعاد مختلف یک ارتباط واحد و وجودی عمیق‌اند که به‌صراحت جایگاه تکوینی و توحیدی امامان را نشان می‌دهند.

مفهوم سریان وجودی حق در امامان نیز در تعبیر عرفانی و روایی متعدد تأیید شده است. تشبیه ابن عربی درباره روح و جسد (ابن عربی، ۱۳۸۴: ۶۷/۲) نمادی از ارتباط ناگسستنی حق و امامان است. همچنین فقره «ذُکِّرْکُمْ فِی الذِّکْرِ، وَ أَسْمَاؤُکُمْ فِی الْأَسْمَاءِ، وَ أَجْسَادُکُمْ فِی الْأَجْسَادِ»، صرفاً اشاره به حضور ظاهری نیست، بلکه نمایانگر جریان نوری حقیقت امامان در سراسر مراتب ذکر، اسماء، اجساد و ارواح است.

این حقیقت با روایاتی مانند «نحن عین الله النّاطرة» (مفاتیح الجنان، زیارت ششم امیرالمؤمنین) و «نحن الأسماء الحسنی» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۳/۱) و الفاظ دعای کمیل «و باسمائک الّتی ملأت ارکان کل شیء» و توقیع شریف «وَ بِهِمْ مَلَأْتُ سَمَاءَ کَ وَ أَرْضَکَ حَتّٰی ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتُ» (آشتیانی، ۱۳۸۰: ۶۵۷)، تأیید می‌شود که همه بر حضور فراگیر، موثر و پرکننده حقیقت اهل بیت (ع) در تمام ارکان هستی دلالت دارد.

بنابراین، این فرازاها به‌طور دقیق و بلیغ، اعم از مدلول مطابقی و التزامی، دلالت صریح و مستدلی بر جایگاه ویژه امامان در ارتباط تکوینی و وجودی با حق دارد.

۶. برتری مقامی و محوریت در محبت الهی

انسان کامل به‌عنوان مظهر اتم و جامع‌ترین مخلوق، به‌طور طبیعی در رأس هرم هستی و سلسله‌مراتب کمال قرار دارد. او نه تنها بر سایر انسان‌ها، بلکه بر فرشتگان مقرب و حتی انبیای پیشین (به لحاظ حقیقت



باطنی و ولایت کلیه) برتری دارد. این برتری ناشی از سبقت وجودی او در مقام «حقیقت محمدیه» یا «عقل اول» و جامعیت منحصر به فرد اوست (کبیر، ۱۳۸۴: ۱۴۹، ۱۵۱؛ ابن ترکه، ۱۴۲۰: ۱۶۶).

زیارت جامعه کبیره این برتری مقامی مطلق را با رساترین بیان برای امامان معصوم (ع) اثبات می‌کند: «فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ ، وَ لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ ، وَ لَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ». امام رضا (ع) نیز در تشبیهی روشن می‌فرماید: «الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الظَّالِعَةِ لِلْعَالَمِ وَ هِيَ فِي الْأَفْقِ بِحَيْثُ لَا تَنَالُهُ الْأَيْدِي وَ الْأَبْصَارُ» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۴۳۴/۲). همچون خورشیدی تابان در بلندای افق که هیچ دست و چشمی قادر به گرفتن یا درک کامل آن نیست. این تشبیه، مکملی دقیق و تأییدی روشن بر مفاهیم برتری مقام امامان در زیارت جامعه کبیره است.

این عبارات، هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که مقام اهل بیت (ع) مقامی است دست‌نیافتنی و فراتر از هر مقام دیگری در عالم امکان، اعم از فرشتگان مقرب، انبیای مرسل، صدیقان و شهدا. این تأکید با اعتقاد شیعی مبنی بر افضلیت ائمه (ع) بر انبیای اولوالعزم (به جز پیامبر خاتم (ص)) هم‌راستا است.

این برتری مقامی، محوریت آنان در طریق محبت و ولایت الهی را نیز به دنبال دارد. از آنجا که آنان کامل‌ترین مظاهر حق و نزدیک‌ترین موجودات به او هستند، محبت و تولی به ایشان، عین محبت و تولی به خداوند است و راهی جز این برای وصول به قرب الهی وجود ندارد. زیارت جامعه این اصل بنیادین را چنین بیان می‌کند: «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَ مَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَ مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ». این هم‌سانی در محبت و عداوت، ناشی از مقام فنای فی الله و مظهریت تامه امام است. حبّ الهی مستلزم حبّ مظاهر اوست (کاشانی، ۱۳۷۹: ۱۶۸) و کامل‌ترین این مظاهر، امامان معصوم (ع) هستند. اوج این حقیقت در فراز پایانی زیارت تجلی می‌یابد، آنجا که زائر با قاطعیت اعلام می‌کند که هیچ شیعی نزدیک‌تر از پیامبر (ص) و اهل بیتش به درگاه الهی نمی‌یابد: «اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَنْبِيَاءِ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شَفْعَائِي». این اعتراف، ختمی است بر اثبات مقام بی‌بدیل و محوریت مطلق اهل بیت (ع) در نظام قرب و محبت الهی.

تحلیل تفصیلی مضامین «زیارت جامعه کبیره» در پرتو شاخصه‌های کلیدی «انسان کامل» در عرفان نظری، به‌ویژه بر اساس تبیین‌های مکتب ابن عربی، نشان می‌دهد که انطباق و هم‌سویی عمیق و چشمگیری میان این دو مفهوم وجود دارد. مظهریت تامه و جامعیت وجودی، علم لدنی و فراگیر،



عصمت و طهارت مطلقه، نقش محوری در نظام تکوین (وساطت در فیض، ولایت، حفظ عالم)، ارتباط وجودی ویژه با حق (معیت و سریان)، و برتری مقامی مطلق و محوریت در محبت الهی، همگی ابعادی هستند که هم در عرفان نظری به عنوان ارکان شخصیت انسان کامل مطرح شده‌اند و هم در زیارت جامعه کبیره با بیانی صریح و قاطع به امامان معصوم (ع) نسبت داده شده‌اند. این یافته‌ها، فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر سازگاری بنیادین این دو مفهوم را قویاً تأیید کرده و نشان می‌دهد که انتقادات مطرح شده در باب تعارض، عمدتاً قابل رفع است. «زیارت جامعه کبیره» نه تنها گنجینه‌ای بی نظیر از معارف امام‌شناسی شیعی است، بلکه می‌تواند به عنوان متنی مستحکم، پیوند عمیق میان عرفان اصیل اسلامی و معتقدات ناب شیعی را در تبیین جایگاه والای انسان کامل و مصادیق اتم آن، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، به روشنی به نمایش بگذارد.

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی چالش تفسیری و کلامی مطرح شده پیرامون نسبت میان مفهوم «انسان کامل» در عرفان نظری (با تأکید بر تبیین‌های مکتب ابن عربی) و مقام «امام معصوم (ع)» در اندیشه شیعی، به واکاوی عمیق و تطبیقی متن بنیادین «زیارت جامعه کبیره» پرداخت. مسئله اصلی، ارزیابی ادعای تعارض یا ناسازگاری میان این دو مفهوم کلیدی و پاسخ به این پرسش بود که آیا اوصاف و مقامات تبیین شده برای امامان معصوم (ع) در این زیارت معتبر، با شاخصه‌های اصلی انسان کامل عرفانی انطباق دارد یا خیر. تحلیل‌های ارائه شده در بخش یافته‌های تحقیق که بر اساس شش محور اصلی مستخرج از مبانی نظری و ادبیات موضوع (شامل مظهریت و جامعیت، علم لدنی، عصمت و طهارت، نقش تکوینی، ارتباط وجودی با حق و برتری مقامی) سازماندهی شد، به روشنی نشان داد که هم‌سویی و انطباق عمیق و قابل توجهی میان توصیفات زیارت جامعه کبیره از مقام امامان (ع) و شاخصه‌های انسان کامل در عرفان نظری وجود دارد. این پژوهش نشان داد که مفاهیمی چون مظهریت اتم اسماء الهی، جامعیت کونین، علم محیط و لدنی، عصمت مطلقه از هر زلزله و دنس، ولایت تکوینی و نقش محوری در حفظ و فیض رسانی به عالم، معیت خاصه با حق و سریان وجودی و مقام برتر و دست نیافتنی نسبت به کل مخلوقات که از ارکان تبیین انسان کامل در مکتب ابن عربی است، همگی به نحوی بارز و گاه با عباراتی شگفت‌انگیز، در زیارت جامعه کبیره برای ائمه اطهار (ع) بیان شده‌اند.



بر این اساس، فرضیه اصلی این تحقیق مبنی بر اینکه مفهوم «انسان کامل» عرفانی دارای پشتوانه متقن نقلی و عقلی بوده و نه تنها با مبانی اصیل شیعی تعارضی ذاتی ندارد؛ بلکه شاخصه‌های کلیدی آن به وضوح در اوصاف امامان معصوم (ع) در «زیارت جامعه کبیره» قابل ردیابی و اثبات است، مورد تأیید قرار می‌گیرد. یافته‌ها نشان داد که زیارت جامعه کبیره، خود به مثابه سندی معتبر و برگرفته از لسان معصوم (ع)، گواهی قاطع بر این هم‌سویی است و می‌تواند به عنوان پلی مستحکم میان این دو حوزه معرفتی عمل کند. اهمیت این نتیجه‌گیری در آن است که نشان می‌دهد تعارض ادعاشده میان عرفان و تشیع در این مسئله بنیادین، بیش از آنکه ذاتی باشد، ممکن است ناشی از فهم نادقیق، تقلیل‌گرایانه یا عدم توجه کافی به ظرفیت‌های متون اصیل هر دو سنت، به ویژه منابع غنی شیعی چون ادعیه و زیارات باشد. این پژوهش با ارائه تحلیلی مستند از زیارت جامعه، راه را برای قرائتی منسجم‌تر و سازگارتر هموار می‌کند؛ قرائتی که در آن، امام معصوم (ع) نه تنها به عنوان پیشوای دینی و الگوی اخلاقی، بلکه به عنوان تحقق‌اعلای کمال انسانی و مصداق اتم و اکمل «انسان کامل» در تمام ابعاد وجودی، معرفتی و تکوینی آن شناخته می‌شود. در نهایت، می‌توان گفت «زیارت جامعه کبیره» به عنوان منشوری جامع از امام‌شناسی شیعی، ظرفیتی بی‌بدیل برای فهم عمیق‌ترین ابعاد وجودی انسان کامل و نسبت آن با مبدأ هستی را در خود نهفته دارد و می‌تواند منبعی الهام‌بخش برای پژوهش‌های آتی در زمینه تلفیق و تطبیق معارف عرفانی و کلامی شیعی باشد و به غنای هر دو حوزه کمک نماید. این زیارت نشان می‌دهد که عرفان حقیقی نه در تقابل، بلکه در امتداد و در قلب تعالیم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) قابل دستیابی و فهم است.

فهرست منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (صبحی صالح).
- آشتیانی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۸۰). *شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم*. قم: بوستان کتاب.
- آملی، سیدحیدر. (۱۳۹۴). *انوار الحقیقه و اطوار الطریقه و اسرار الشریعه*. تهران: انتشارات اسوه
- ابن ترکه، صائن‌الدین علی بن محمد. (۱۴۲۰ق). *اطوار ثلاثه* (ح. داوودی، محقق). [نقل در مجله معارف، ۲۶]. (یادداشت: اطلاعات نشر کامل برای قالب‌بندی دقیق‌تر لازم است).
- ابن عربی، محی‌الدین. (۱۳۷۰). *فصوص الحکم* (چاپ ابوالعلاء عقیفی). تهران: انتشارات الزهراء.
- ----- (۱۳۸۴). *فتوحات مکیه* (م. خواجوی، مترجم؛ چاپ سوم). تهران: انتشارات مولی.
- ----- (بی‌تا-ب). *الفتوحات المکیه*. بیروت: دار صادر.



- اصفهانی، راغب. (بی تا). **مفردات غریب القرآن** (مع ملاحظات عاملی). بیروت: دار المعروف.
- امینی، ابراهیم. (بی تا). **دادگستر جهان** (چاپ قدس). قم: انتشارات شفق.
- جرجانی، میر سید شریف. (۱۳۹۴). **تعریفات** (ح. سیدعرب و س. س. نوربخش، مترجمان). تهران: نشر فرزاد.
- جهانگیری، محسن. (۱۳۶۷). **محمی الدین بن عربی: چهره برجسته عرفان اسلامی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶ ش). **ادب فنای مقربان**. (چاپ پنجم). قم: مرکز نشر اسراء.
- خانی، حامد. (۱۳۸۸). **جامعه، زیارت، درک**. موسوی بجنوردی (ویراستار)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. (یادداشت: برای دقت بیشتر، شماره جلد و صفحات لازم است).
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۵). **سیمای معصومین در اندیشه امام خمینی (ره)**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ----- (۱۳۸۶). **چهل حدیث**. (چاپ سی و نهم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ----- (۱۳۹۵). **شرح دعای سحر**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رمضان، حسن. (۱۴۰۰). **عرفان در آئینه قرآن و روایات: عرفان نظری**. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ ق). **تهذیب الأحکام** (ح. الموسوی خراسان، محقق و مصحح). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۸۵ ق). **علل الشرائع**. نجف: المكتبة الحیدریة.
- ----- (۱۴۱۳ ق). **من لا یحضره الفقیه**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ----- (۱۴۲۶ ق). **عیون اخبار الرضا** (طبعة ثانية). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). **الاحتجاج**. مشهد: نشر مرتضی.
- فناری، حمزه. (۱۳۸۴). **مصباح الأنس** (شرح مفتاح الغیب صدرالدین قنونی) (م. خواجوی، مصحح). تهران: مولی.
- قبانچی، سید صدرالدین. (۱۴۲۷ ق). **فی رحاب الزیارة الجامعة الکبيرة**. نجف: بقية العترة.
- قنونی، صدرالدین. (۱۳۸۱). **إعجاز البیان فی تفسیر أم القرآن** (ج. آشتیانی، مصحح). قم: نشر دفتر تبلیغات.
- قیصری، داوود. (۱۳۸۷). **شرح فصوص الحکم** (م. خواجوی، مترجم: چاپ اول). تهران: انتشارات مولی.
- کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۶۷). **مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة** (ح. همایی، مصحح، چاپ سوم). تهران: انتشارات هما.
- کبیر، یحیی. (۱۳۸۴). **انسان شناسی** (انسان کامل) در مکتب فلسفی عرفانی صائغ الدین ابن ترکه. قم: مطبوعات دینی.
- کربلایی، شیخ جواد. (۱۴۲۸ ق). **الأنوار الساطعة فی شرح الزیارة الجامعة**. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۳). **اصول کافی** (ح. استادولی، مترجم). تهران: دار الثقلین.
- ----- (۱۴۰۷ ق). **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق). **بحار الأنوار**. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۶ ق). **لواعص صاحبقرانی المشتبه بشرح الفقیه**. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مظفر، محمدحسن. (۱۴۲۲ ق). **دلائل الصدق لنهج الحق**. قم: موسسه آل البيت.
- نقوی، سید محمدتقی. (۱۳۷۸). **شرح زیارت جامعه کبیره**. تهران: مؤسسه نشر امام صادق (ع).
- یربزی، سید یحیی. (۱۳۹۷). **فرب سراب: پژوهشی در شناخت**. ارزیابی و نقد تصوف و عرفان. قم: فروغ فردا

